

زندگی نمی تواند و نبایستی، همیشه حفظ شود!

از سلسله گفتارهای رادیویی "صدای سربداران" 1368-1370 (صحنه مقابل يك كلينيك زنان : يک نفر از گروه "حق زندگی") نام گروهی در آمریکا که مخالف سقط جنین می باشد.) تلاش دارد زنان مراجعه کننده را از سقط جنین منع نماید. او بالا و پائین رفته و تابلویی دارد که میگوید "فوتوس (نطفه) زندگی است... فکر می کند همین حد اعلام موضع برای بحث حول سقط جنین کافی است. آیا این درست است که فوتوس شکلی از زندگی است؟ البته که هست. از سلول های زنده درست شده، رشد میکند و انرژی را تبدیل می کند، ظرفیت بالغ شدن و تولید دارد، دارای سیستم ژنتیکی و غیره می باشد. آیا سقط جنین این شکل از زندگی را نابود می کند؟ بله، حتما. آیا سقط جنین، کشتن انسانی دیگر نیست؟ نه بهیچوجه. يك فوتوس هنوز موجودی بنام انسان نیست. بیشتر شبیه يك بذر یا جوانه موجودی بنام انسان است. فوتوس "زنده" است، ولی این در مورد تمام سلول های دیگر در بدن يك زن صادق است، فوتوس هنوز از خودش زندگی ای ندارد. یعنی هنوز دارای زندگی ای جدا از زندگی زنی که در رحمش قرار گرفته، ندارد. ما لزوماً مجبور به حفظ هر چیزی که خصوصیت "زندگی" دارد، نیستیم. این واقعیتی آشکار است. در مورد آن فکر کنید: مردم مرتباً "زندگی" موجودات زنده گوناگون را بخاطر آنچه که خیر بزرگتری بنظر میرسد، خاتمه میدهند: ما اینکار را هر بار که چیزی میخوریم انجام میدهیم - تمام میوه ها، سبزیجات و گوشت ها از نباتات و حیواناتی زنده که بخاطر تغذیه ما کشته میشوند، بدست می آیند. هر بار که ما درختی را برای مصرف سوختی می بریم، هر بار که برای کشتن ارگانسیم های زنده ای که ما را مریض کرده اند، آنتی بیوتیک میخوریم، یا حتی هر بار انسانی دیگر را در دفاع از خود یا برای اینکه مانع رنج بردن و کشته شدن انسانهای دیگر شویم می کشیم، زندگی را خاتمه میدهیم.

بعبارت دیگر ما زندگی را برای حفظ و غنی کردن زندگی دیگر می کشیم. بنابراین در مورد زندگی زن چطور؟ زندگی زنی که مجبور به ادامه بارداری ناخواسته شده است در خطر می باشد. او ممکن است به سقط جنین ریسک در در پناه کوچکی ای متوسل بشود. و اگر ادامه بارداری به او تحمیل شود، زندگی اش ضعیفتر و بی عزت می شود. به غرور و عزت نفسش لطمه می خورد زیرا جامعه به این طریق به او میگوید اساساً بی ارزش است و حتی دسته ای سلول رشد نیافته که هنوز بچه کاملی هم نیست، احترامی بیشتر و ارزشی بیشتر از او دارد! زیرا به او اجازه داده نشده است که بدن خودش، باز تولید خودش را کنترل کند، اجازه ندارد تصمیم بگیرد که آیا مادر بشود یا نه و چه وقت. او بیشتر از يك برده آزادی ندارد. طرفداران "حق زندگی" مسئله را بدین صورت نمی بینند. آنها روشن کرده اند که زندگی يك فوتوس برایشان مهمتر است و ارزش بیشتری از زندگی زن حامل فوتوس دارد. از نقطه نظر اجتماعی، کسانی که می خواهند با زور حق سقط جنین را از يك زن بگیرند چیزی بیشتر از سنگ های شرور هار نمی باشند. اما از نقطه نظر علمی نیز احمق هائی نادان یا دروغگوئیانی حسابگر می باشند. آیا عکس هائی را که بکار میبرند دیده اید؟ این عکسها را بررسی کنید. اینها اغلب عکس فوتوسهای بزرگ شده اند که تقریباً آماده دنیا آمدن هستند). ولی واقعیت اینست که 90 درصد سقط جنین ها در آمریکا در سه ماهه اول حاملگی انجام میشود. (این تصاویر طراحی شده اند تا در فرد این احساس را بوجود آورند که گوئی فوتوس هائی که زنان سقط می کنند درست مثل بچه های دوست داشتنی کوچکی هستند، آماده برای در آغوش کشیدن و آروغ زدن. ولی اینطور نیست! فوتوس فرسنگها از این مرحله بدور است. و آیا توجه کرده اید چگونه فوتوس ها را بدروغ به حالت شناور ترسیم می کنند، گوئی که در بدن يك زن نیستند؟ در طول این نشو و نما زن کجاست؟ حتی در بسیاری از کتاب های درسی مدارس آنها تصاویر یا عکسهائی از فوتوس درون يك رحم را نشان میدهند، ولی آنها زن را که فوتوس بخشی از آن است به بیننده نمی نمایند! چون میخواهند این واقعیت را که پای زنی هم در این میان است، پنهان سازند.

این گروه برای قبولاندن نظرات دروغ خود از جهلی که مردم در مورد بدن خودشان دارند، سود می جویند. مثلاً خیلی ها نمی دانند که چه چیز درون بدن اتفاق می افتد، چگونه يك بارداری تکامل می یابد و غیره. بگذارید ببینیم حقیقت در مورد تکامل يك فوتوس چیست. واقعیت اینست که حاملگی پروسه ای است که مدت زمانی را دربر میگیرد و حادثه ای اسرارآمیز که نیرویی خارجی آنرا هدایت می کند هم نیست؛ بخشی از پروسه های بدن زن می باشد، نه پروسه ای از بدن مرد و ارتباطی با مرد ندارد بغیر از تهیه اسپرم. همچنین بخشی از کلیسا، دولت و هیچ کس دیگر نیست. تمام ماجرا درون زن روی میدهد. تخمک تغییر کرده و به فوتوس تبدیل میشود و طی نه ماه بطور مداوم تغییر می کند، فقط باین دلیل که فیزیولوژی (زن) طریقی که بدن او کار میکند (باعث میشود این تغییرات روی بدهند. بگذارید چیزی را که در نخستین مرحله بارداری) 1 تا 13 هفته از آخرین عادت ماهانگی زن (روی میدهد را مجدداً بررسی کنیم:

کل این پروسه با يك سلول تخمک و يك سلول اسپرم شروع میشود که هر دو سلول های زنده هستند. تخمدانهای هر زنی طی دوره ای در حدود 30 سال ماهانه يك یا چند تا از این سلول های تخمک زنده را تولید می کنند که مجموعاً تعداد زیادی سلولهای تخمک زنده طی يك دوره زندگی می باشند! هر باری که يك مرد اسپرم دفع می کند بین 200 تا 400 میلیون سلول اسپرم زنده بیرون میدهد. و این قطعاً تعداد زیادی سلول زنده است! البته بیشتر مواقع

تمام آنها میمیرند . همه این تخمک ها و اسپرم ها "موجودات زنده" هستند ولی جماعت "حق زندگی" سعی نمی کنند آنها را حفظ کنند ! مضحك است، اینطور نیست. اگر حتی یکی از این سلول های اسپرم در محل زنی رها شود بدون رحم شنا میکند و از آنجا بدون یکی از دو لوله رحم که در دو طرف رحم قرار دارند (میروند، و در برخورد به يك سلول تخمک رسیده، بارور شدن میتواند روی بدهد . این بدان معناست که تخمک و اسپرم ترکیب شده اند و نتیجه يك تخمک بارور شده نامیده میشود.

تخمک بارور شده به پائین لوله رانده میشود . این تخمک اول يك سلول است، ولی بزودی به دو سلول تقسیم میشود، سپس چهار سلول و بهمین ترتیب . زمانیکه این تخمک به رحم (کیسه ای ماهیچه ای به اندازه يك گلابی کوچک) برمیگردد، هنوز بسیار کوچکتر از نقطه پایانی انتهای این جمله میباشد. برای آنکه حاملگی ادامه یابد، این تخمک کوچک میبایستی به جداره رحم بچسبد . اگر نچسبد (کاشته نشود)، بسادگی به همراه خون عادت ماهانه بعدی زن به بیرون جاری میشود . وقتی این اتفاق افتاد - شکلی از "سقط جنین خود بخودی" صورت می گیرد . زن آنرا نمی فهمد، زیرا اندازه تخمک بارور شده بسیار کوچک است. اگر تخمک به جداره رحم بچسبد، تغییرات هورمونی در بدن زن رخ میدهد که مانع از عادت ماهانگی بعدی میشود . آزمایش حاملگی عبارت است از اندازه گیری این هورمونها در خون یا ادرار زن. تخمک کاشته شده، اکنون يك جنین نامیده میشود؛ سلولهای آن حرکت کرده و در وضعیتهای مختلف قرار می گیرند و این باعث تغییر شکل جنین می شود. سلول ها "تجزیه" شدن را آغاز می کنند . این بدان معناست که آنها عملکردهای مختلفی را بعهد گرفته و بافت های مختلفی را تشکیل میدهند که بعدا بخش های گوناگون بدن خواهند شد . بجای آنکه همه به يك شکل باشند، بعضی از سلولها بعنوان مثال، سلول های پوستی یا سلولهای قلب یا سلول های چشم خواهند شد.

سه هفته بعد از حاملگی، کل جنین هنوز فقط به طول دو میلیمتر یا حدودا دوبرابر "ه" میباشد. (پلاستنا) جفت جنین (با ترکیب بعضی بافت های رحم زن و جنین زن شکل میگیرد . پلاستنا انبوهی از بافت است که دارای رگهای خونی فراوان میباشد و جنین را به سیستم گردش خون زن وصل میکند . در سراسر دوره حاملگی فوتوس از طریق بند ناف به پلاستنا متصل است. پلاستنا نشان میدهد که در سراسر دوره حاملگی جنین یا فوتوس دقیقا بخشی از بدن زن میباشد . جنین نمیتواند به اتکای خودش تغذیه کند، فضولات خود را خالی کند یا حتی به اتکاء خودش نفس بکشد . جنین از طریق پلاستنا و بند ناف اکسیژن و غذای حل شده قوت دار (و بعضی اوقات مواد سمی) (از خون زن میگیرد . و بهمان طریق از دست فضولاتش خلاص میشود، یعنی دی اکسید کربن و اوره را بدون جریان خون زن تخلیه میکند تا از آن طریق دفع شود.

سقط جنین چیست؟

چنان که اکثر مردم می دانند، اکنون انجام باروری در خارج از بدن زن شدنی است . اکنون دانشمندان می توانند از طریق عمل بر روی تخمدانهای زن تعدادی سلول تخمک زنده جمع آوری کرده و سپس آنها را با تعدادی سلول اسپرم زنده در ظرف آزمایشگاهی ترکیب نمایند؛ و غالبا يك تخمک بارور یا بیشتر بدست خواهد آمد . ولی تکنولوژی بشر هنوز بدان حد نرسیده که قادر شویم تخمک بارور شده را در لوله آزمایشگاه برای نه ماه تمام تا هنگامی که تبدیل به يك بچه شود "پرورش" دهیم . در واقع اکنون برای آنکه آن تخمکهای بارور شده در ظرف آزمایشگاهی زنده مانده و رشد کنند باید بلافاصله بدون رحم يك زن تزریق شوند. این مسئله چه چیزی را نشان میدهد؟ بما نشان میدهد که تمام آن تغییراتی که نه ماه بعد روی میدهد فقط پروسه های مربوط به خود فوتوس نیست، بلکه پروسه های بدن خود زن می باشد . تخمک، جنین، فوتوس از سلولهای زنده درست شده اند، ولی این موجود رشد یابنده در واقع تا حال وجود مستقل نداشته است و رشد و تکامل آن از سلولهای زنده که رحم زن و سیستم هورمونی، سیستم انتقال غذا و اکسیژن و غیره زن را تشکیل میدهند جدائی ناپذیر است . يك سقط جنین تعدادی سلول زنده را که بخشی از بدن زن است کشته و بیرون می آورد - سلولهای زنده ای که دستخوش تغییرات بسیاری هستند، و پتانسیل آنها دارند که در نقطه ای از این مسیر به يك انسان دیگر تبدیل شوند اما هنوز يك انسان دیگر نیستند.

درست همانگونه که سلولی منفرد نمی تواند مستقل از بدن بقا یابد، جنین نیز مستقل از بدن يك زن نمی تواند زنده بماند زیرا واقعا بخشی از زن میباشد. بعد از چهار هفته از حاملگی، جنین کمی شبیه يك بچه قورباغه می باشد . حتی مانند ماهی شکافهای تنفسی داشته و دمی استخوانی دارد ! این خصائلی است که در جنین های بسیاری از تیره های مختلف حیوانی مشترك است و تاریخ تکاملی مشترك ما را بازتاب می کند . جنین حالا بدرزای حدود 5 میلیمتر، کوچکتر از این شکل) ه ه ه (میباشد. در ماه سوم حاملگی، جنین که حال فوتوس نامیده میشود، بیشتر شبیه آدم است چون بازوان، پاها، اندام های جنسی، انگشتان، دست و پایش هویدا شده است . اکنون جنین در جریان تغییرات بسیاری است، ولی در درون، اندامهای درونیش، ماهیچه ها، اسکلت و سیستم اعصاب هنوز رشد چندانی نکرده است . کل این موجود اکنون فقط بدرزای حدود 25 میلیمتر یا بدرزای تقریبی 25 تا "ه" میباشد. سقط جنین در سه ماهه اول) 1 تا 13 هفته پس از آخرین عادت ماهانه (بیش از 90 درصد سقط جنین های ایالات متحده آمریکا در نخستین سه ماهه حاملگی انجام می شوند.

این بهترین زمان برای سقط جنین است . همچنین ساده ترین و سالم ترین و ارزانترین زمان برای انجام آن است و

نیازی به بستری شدن در بیمارستان نیست، بلکه میتواند در کلینیک و بطور سرپایی انجام شود. طریقی که انجام میشود آنست که لوله ای انعطاف پذیر به اندازه يك نی نوشابه از میان مهبل بدون رحم وارد میشود. این لوله به يك بطری با پمپ مکنده وصل است. وقتی که پمپ روشن شود، مانند يك جاروی برقی کوچک کار می کند و محتوای رحم را می مکد. آنچه که بیرون می آید عمدتاً شکل خون میباشد، زیرا جنین یا فوتوس هنوز خیلی کوچک است. سقط جنین معمولاً چندان دردناک نیست و زن ممکن است احساس "انقباض عضله" در رحمش بنماید. مشابه داشتن ذق.ث که در داخل رحم کار گذاشته شود. تمام ماجرا فقط پنج تا ده دقیقه طول میکشد و سپس تمام میشود. زن برای لحظه ای استراحت می کند و سپس می تواند به خانه برود. شکی نیست که اگر زنی حامله باشد و نخواهد حامله باشد، او میبایست به حداکثر تلاش کند که در سه ماهه اول حاملگی در يك کلینیک، سقط جنین کند. هر چه زودتر، بهتر. در فرانسه اکنون دکترها به زن قرصی می دهند که حتی ساده تر به حاملگی خاتمه میدهد. بعد از چند ساعت باعث میشود جنین از جداره جدا شود و عادت ماهانه شروع شده، آنرا به بیرون رحم جاری بنماید. این قرص میتواند فقط در شروع حاملگی مصرف شود.

سه ماهه دوم (چهاردهمین تا بیست و چهارمین هفته پس از آخرین عادت ماهانه) این زمانی است که فوتوس بسیار رشد کرده است. در حدود پنجمین ماه، زن قادر است لگزدن آنرا حس کند گرچه او هنوز فقط به درازای حدود بیست سانت است. او ممکن است شست خود را بمکد، اما فقط بدین دلیل ساده که واکنش مکندهگی بطور ژنیتیکی برنامه ریزی شده تا شیر خوردن بعد از تولد را تسهیل نماید. اندامهای درونی آن، استخوانها و ماهیچه ها در حال رشدند. در ششمین ماه بسرعیت قد میکشد و حدود 03 سانتیمتر میشود. ولی مهم است تشخیص داده شود که هنوز "کامل" نیست و اینکه هنوز باید رشد بسیار بیشتری را از سر بگذراند. حتی در آخر این شش ماهه نمیتواند خارج از رحم زن بدون مراقبتهای خاص پزشکی بقاء یابد. مغز آن هنوز خیلی شکل نگرفته است. شش هایش آماده هواگیری نیستند. این جنین هنوز بخشی از بدن زن است و کاملاً به سوخت و ساز جسمانی او وابسته میباشد.

سقط جنین در سه ماهه دوم هنوز میتواند انجام شود. ولی یافتن دکتر یا بیمارستانی جهت انجام آن سخت است. چون رحم نرمتر و فوتوس بزرگتر است، احتمال بوجود آوردن مشکلات پزشکی مانند پاره شدن، سوراخ شدن یا چرک کردن رحم وجود دارد. مهم است که مراقبت های پزشکی دقیق در موارد سقط جنین در سه ماهه دوم، صورت گیرد. طرق مختلفی برای انجام این سقط جنین های دیر وجود دارد. بعضی مواقع دکتر يك محلول سالین را بدون رحم تزریق می کند. این محلول فوتوس را میکشد و اجازه میدهد بدن زن به حالت زایمان درآید، فوتوس مانند زایمان يك بچه زنده بیرون رانده میشود. بعضی مواقع دکتر محلول را تزریق کرده و سپس زن را تنها و یا فقط با يك نرس، برای "وضع حمل" فوتوس مرده، ترك مینماید. این ظلمی به زن است و برای تمام علاقمندان به سلامت زن ناراحت کننده می باشد و کلاً غیر ضروری است. متدهای دیگری وجود دارد. بهترین رویه برای سقط جنین در سه ماهه دوم شامل ترکیبی از گشاد کردن، کورتاژ و تخلیه است. مدخل رحم کشیده و باز میشود (گشاد کردن)، و رحم با میله ای فلزی تراشیده می شود (کورتاژ) و با وسیله مکنده خالی میشود (تخلیه). (این رویه بسیار بهتری است؛ خیلی سالمتر و برای زن و کارکنان پزشکی از سقط جنین القایی که باعث میشود زن نیز به حالت زایمان برود، کمتر منقلب کننده است. سقط جنین هایی که با این روش انجام می شود میتواند در دوره 12-14 تا 24 هفتگی انجام شود.

چون سقط جنین آنهم در سه ماهه اول حاملگی ساده تر) از نظر فیزیکی و روحی(، سالمتر و ارزانتر است. چرا اصلاً برخی زنان سقط جنین دیرتر از موعد انجام می دهند؟ جواب این است که بعضی اوقات در آزمایشهای حاملگی اشتباه دارد حامله میشود و فوراً تشخیص نمیدهد حامله است. بعضی IUD روی میدهد، یا زن در حالیکه قرص می خورد یا اوقات او مجبور است علیه فشارهای فراوان یا اعضاء فامیل که بخاطر عقب ماندگی خودشان با سقط جنین مخالفت می کنند، مبارزه کند. بعضی اوقات او قبل از آنکه بداند چه باید بکند، مجبور است با نادانی، ترس و بی اطلاعی خودش مبارزه کند. اغلب اوقات فقدان پول باعث تاخیر شده است. و این جنایتی واقعی است.

درصد بالایی از زنان که مجبور به دست زدن به سقط جنین های دیر شده اند، جوان، فقیر یا زنان رنگین پوست هستند. این نشان میدهد که چگونه زنان رنگین پوست از ستم دوگانه رنج میبرند. و اگر قانونی وضع شود که زنان کم سن و سال را مجبور کند قبل از سقط جنین اجازه والدین خود را بگیرند، تاخیرهای بیشتر و سقط جنین های "دیر" از نتایج ظالمانه آن خواهد بود.

هر چند سقط جنین در سه ماهه اول قطعاً بهتر است و هر کاری برای تسهیل آنها باید انجام شود، با این حال مهم است از حق زنان در خاتمه دادن به حاملگی ناخواسته در هر زمانی حمایت شود، و سالمترین طرق سقط جنین که از نظر جسمانی و روانی، کمترین ضرر را برای زن داشته باشد، فراهم آید. سه ماه سوم) 25 هفته پس از آخرین عادت ماهانه(سقط جنین بندرت در سه ماهه سوم انجام میشود، به استثناء حالات فوق العاده برای نجات زندگی زن. در چنان مواردی دکتر باید رحم را بریده و باز کند و فوتوس و پلاستتا را بیرون آورد، و این يك جراحی مهم بحساب می آید. فوتوس در این سه ماهه آخر هم دچار تحولات زیادی میشود. رشد خیلی زیادی می کند ولی اگر در هفتمین ماه و قبل از موعد زاییده شود، شانس کمی برای بقاء دارد زیرا اندامهای درونی آن به اندازه کافی تکامل نیافته است. در چنان مواردی دکترها باید فوتوس را در لوله آزمایشگاه و تحت مراقبت های ویژه بزرگ کنند. شکل گیری نهایی اندامی در

هشتمین و نهمین ماه روی میدهد. این زمانی است که شش ها تا نهایت گسترش می یابند. قبل از اینکه شش ها تکمیل شوند، فوتوس قادر نخواهد بود مستقلا خارج از رحم نفس بکشد.

همچنین در خلال این زمان بسیاری از سلولهای جدید مغزی شکل می گیرند و مسیرهای عصبی عمده در مغز شکل می گیرند. در انسان، بخش بزرگی از گسترش مغز کم و بیش در شش ماه بعد از ماه تولد صورت می گیرد، اما در انتهای نه ماه حاملگی، فوتوس به اندازه کافی گسترش یافته که متولد بشود و بدن زن احتیاج دارد فوتوس را قبل از آنکه بزرگتر شده و از استخوانهای لگن خالصه بگذرد، بیرون کند! بدن زن حال در جریان درد زایمان قرار می گیرد، ماهیچه های رحم منقبض می شوند و فوتوس کاملا شکل گرفته را بیرون می رانند. بمحض آنکه بند ناف متصل کننده فوتوس به بدن زن بریده شود تهیه اکسیژن از زن به فوتوس قطع شده و نوزاد نخستین نفس مستقل خود را می کشد. این اولین عمل او بعنوان يك موجود بشری مستقل می باشد. او حالا واقعا "يك بچه" است. برای نخستین بار او حقیقتا يك موجود جداگانه زندگی و همچنین وجود جداگانه اجتماعی است. از این لحظه او واقعا يك وجود انسانی جداگانه است، و باید بهمان ترتیب با او برخورد شود.

"بحث بر سر اینکه آیا زنان حق سقط جنین دارند مانند این است که بگوئیم آیا سیاهان حق دارند برده نباشند؟ این دو به يك اندازه اساسی اند"

"زنی که نتواند انتخاب بکند، برده است. تا زمانی که زنان برده باقی بمانند، هیچ خلقی آزاد نمی شود و بطور کلی بشریت نمی تواند خود را آزاد کند".

"تا زمانی که تولید مثل بشر وابسته به زنان منفرد باشد، تنظیم اجتماعی تولید مثل میتواند تبدیل به يك اهرم ستم برزن گردد. دقیقا به این دلیل، سلامت فیزیکی و اجتماعی کلی زنان بایستی بر هر روند تبعی(مانند تولید مثل) ارجحیت داشته باشد. این مسئله ای است مربوط به زنان اما حتی فراتر از آن موضوعی است مربوط به اینکه آیا زن حق دارد نقش کاملی در جامعه داشته باشد یا خیر".

- بنقل از "زنان ماشین جوجه کشی نیستند" ویژه نامه ای از کارگر انقلابی، ارگان حزب کمونیست انقلابی آمریکا